

گپ وگفت با حسین ششکلانی، هنرمند تصویرسازی که مخاطب آثارش همه مردم شهر مشهد هستند

باید رشته هنرهای شهری در دانشگاه‌ها تدریس شود

دانشگاه رشته تصویر سازی را ادامه داد، هرچند

در آخر مدرک ارشدش را نگرفت. مرحوم مرتضی ممیز یکی از استادانش در این دوره بود که تأثیر زیادی روی او گذاشت و به او کمک کرد بفهمد در هنر به دنبال چیست. می‌گوید: «تکلیفم با خودم روشن شد که من تصویر ساز هستم.، او هفده سال در تهران ماند و برای روزنامه اطلاعات بین‌المللی و یک چاپخانه بخش خصوصی طراحی و تصویر سازی می‌کرد. دفتر خودش را هم داشت و پروژه‌های شهری هنری انجام می‌داد. یکی از این پروژه‌ها، یک پروژه تحقیقاتی درباره تابلوهای شهری جزیره کیش بود که پایه مطالعات هنرهای شهری‌اش را برای راهی که قرار بود بعدا در مشهد ادامه دهد، تشکیل داد. او پس از مهاجرت به مشهد، کار طراحی و اجرای مجتمع آیه‌ها را انجام داد. دراین باره می‌گوید: «قرار بود یک نمایشگاه موقت باشد. بین بچه‌های مذهبی هرجا نمایشگاه بود، منظور شان چهار تا کیسه شن و چغیه و سنگر بود. من گفتم این طوری کار نمی‌کنم. کار که تمام شد، همه دیدند متفاوت است. ۸۸/۸۸نمایشگاه به‌صورت دائمی افتتاح شد. آن موقع هادی مظفری که در شهرداری مأمور شده بود المان‌های شهری را راه بیندازد، در این نمایشگاه من را پیدا کرد. کارهای کوچکی در سال ۱۳۸۷ انجام داده بودند، ولی می‌خواستند قضیه را مدون کنند و کاری در دست‌حسابی انجام دهند.، به‌این ترتیب، اتاق فکر خانه‌نرمندان شهرداری مشهد شکل گرفت، گفت‌وگوی ما با حسین ششکلانی از ماجرای همین اتاق فکر و نیازی که مدیران شهری به هنر شهری احساس می‌کردند و سواد بصری مردم که در این سال‌ها چقدر تغییر کرده است، شکل گرفت. این گفت‌وگو را در ادامه دنبال کنید.

انجام بدهم. ولی من هر کاری بکنم، مثل آن نمی‌شود و یک پله پایین‌تر می‌شود. اگر کسان دیگر هم مثل من فکر کرده باشند، کارها از آن سطح بالاتر نمی‌رود. بنابراین کیفیت کار ضعیف‌می‌شود. برای مبتدی‌ها این بد نیست، ولی به حرفه‌ای بایدسفرارش داد. من هیچ‌وقت در فراخوان شرکت نمی‌کنم، چون اگر دوسه هفته وقت بگذارم و کار کنم، بعد انتخاب نشود، اقتصادم را چه کار کنم؟ باید کاری کنم که مطمئن باشم. هرچند هنوز بعد از سی سال باید مجانی طراحی کنیم.

شما می‌گویید باید از مرحله فراخوان عبور کنیم و به سفارش برسیم؟ عبور نکنیم. فراخون هم باشد، ولی برای آدم‌های مبتدی که تازه می‌خواهند وارد شوند. به آن‌ها اجازه بدهیم بیانند کار کنند تا حرفه‌ای شوند. نمی‌شود بگوییم چون من حرفه‌ای هستم، هیچ کس وارد نشود. باید فضای فراخوان برای آدم‌های مبتدی باشد و سفارش برای آدم‌های حرفه‌ای.

● همه این‌ها در شهر نمایش داده شوند؟

بله. مثلا کارهای کوچک‌تر یا جاهایی را که کمتر اهمیت دارند، به فراخوان بگذارند و جاهای مهم‌تر را به هنرمندان حرفه‌ای سفارش بدهند. از اول نمی‌شد این کار را کرد، چون نمی‌دانستیم چه خبر است، ولی الان از و قتش هم گذشته‌است. سفارش برای کسی است که تجربه دارد، کارنامه‌اش مشخص است. خط‌وربطش مشخص است. به قول معروف خراب کاری‌هایش را کرده و الان حرفه‌ای است و بلد است کار انجام دهد. در اینجا اول از همه به مبتدی ظلم می‌شود، چون به‌طبع کار حرفه‌ای قوی‌تر است و انتخاب می‌شود. دوم اینکه به حرفه‌ای ظلم می‌شود و باید به او سفارش بدهند.

● اینجا رانت و پارتی‌بازی پیش نمی‌آید؟

شما هر کار بکنید، این مسئله هست؛ ولی راهش این است که نظارت بیشتر شود، البته نظارت حرفه‌ای. نه اینکه کسی را به‌عنوان ناظر بیاورند که فرق سیاه و سفید را نفهمد.

● اینکه شما می‌گویید، لازمه‌اش این است که سفارش دهنده یا سیاست‌گذار دقیقا بداند چی می‌خواهد و همان‌طور که شما گفتید، چند پله بالاتر باشد. فکر نمی‌کنید آفت این شیوه این باشد که خیلی وقت‌ها در روال مدیریتی که قرار می‌گیرد، آن مسئولی که سفارش می‌دهد، سواد بصری چندانی ندارد و این طوری کیفیت کار کم می‌شود؟ سفارش دهنده مشورت می‌گیرد. هیچ‌وقت نمی‌توانیم چیزی را صد درصد بگوییم، چون ما در واقعیت زندگی می‌کنیم. ولی فراخوان آفت‌های بیشتری دارد. مثلاً یک دوره‌ای بود که نوع داوری‌ها متفاوت شد. پنج موضوع داشتیم. از موضوع شماره یک برای مثال صد کار آمده بود و از بین صد کار باید انتخاب می‌کردیم. از موضوع شماره پنج مثلا دوازده کار آمده بود. ما چهار اثر از هر کدام می‌خواهیم. خب، کیفیت کار ضعیف می‌شود. این‌ها داستان‌های فراخوان است. فراخوان خیلی خوب است، چون مشارکت جمعی است، ولی باید آن را تعریف کنیم. شاید یک دوره‌ای لازم بود فراخوان برزیم، چون کسی را نمی‌شناختیم. الان در این دوازده سال همه همدیگر را می‌شناسند و مهارت‌ها کاملا مشخص است. الان این

الهام ظریفیان

از حسین ششکلانی آن چنان که خود می‌گوید، باید به عنوان هنرمندی تصویر ساز که بیشتر هنر شهری انجام می‌دهد، نام ببریم. در برخورد اول با او، لهجه شیرین مشهدی‌اش به یاد می‌ماند. با اینکه اصالت تبریزی دارد و ترک‌زبان است. نام خانوادگی‌اش هم به یکی از محلات قدیمی تبریز اشاره می‌کند، جایی که هنر بیشتر مردمش فرش‌بافی و طراحی فرش‌اش است. پدرش هم همین شغل را داشته و بعد از مهاجرت به مشهد با سختی زیاد توانسته است کارگاه تولید فرش ششکلانی را راه بیندازد. او سال ۱۳۴۵ در مشهد به دنیا آمده‌است. از بچگی در دنیای نقش‌ها و طرح‌های فرش‌های ایرانی غوطه‌ور بوده و شاید همین پیشینه، علاقه به هنر را در وجود او کاشته است. می‌گوید: از بچگی طراحی را دوست داشتم و به اندازه خودم تحلیل می‌کردم. نمی‌دانستم پرسپکتیو چیست، ولی ناخودآگاه به همان صورت می‌کشیدم. در زمان انقلاب اسلامی دوازده‌ساله بودم و نقاشی‌برایم جالب شد، چون برای من موضوع مهم بود. نه خود طراحی، می‌خواستم یک حرفی را بگویم. درواقع، طراحی یک رسانه و یک مدیوم برای افکار انقلابی‌ام بود. دنبال مفهوم بودم و به هنر اجتماعی فکر می‌کردم. من دوست داشتم کارم عمومی باشد. تصویر سازی مطلوب‌عانی و هنر شهری این امکان را به من می‌داد، دیپلم تجربی گرفته بود و می‌خواست کشاورزی بخواند. اما سال ۱۳۶۶ زمان انتخاب رشته کنکور در لحظه آخر تصمیم گرفت رشته هنر را انتخاب کند. چهار سال در دانشگاه تهران رشته گرافیک خواند و پس از آن در دوره کارشناسی ارشد همان

● در سال‌های گذشته به ویژه با راه افتادن استقبال از بهار، سواد بصری و نگاه زیباشناسانه مردم در شهر تغییر کرده است. به نظرتان از این به بعد راه را چطور باید ادامه بدهیم؟ از وقتی که رسانه‌های گروهی زیاد شده‌اند، تصویر جای کلام را گرفته است. البته این خیلی هم خوب نیست. تصاویر و نقاشی‌ها هرچه به‌سمت انتزاعی شدن پیش بروند، عمقشان بیشتر می‌شود. یکی از عناصر ارتباطات، تصویر است. این واقعیت دنیای امروز است که خوب یا بد تحلیلش جداست، ولی به‌هر حال مردم نسبت به قبل بیشتر تصویر می‌بینند و مهارت تصویری‌شان بیشتر شده است. در نتیجه، سلیقه‌ای در آن‌ها به وجود می‌آید و شما دیگر به این راحتی نمی‌توانید هر چیزی را به خوردشان بدهید. الان چه بخواهیم چه نخواهیم، سطح سواد بصری مردم زیاد است. آن چیزی که الان با آن روبه‌رو هستیم، سلیقه‌ای است که از آن طرف می‌آید و برای ما واقعی نیست؛ چون آن‌ها دارند تولید بصری می‌کنند. ما گم شده‌هایی داریم. ما در شهر داریم کارهایی انجام می‌دهیم، ولی شاید ۲۰ درصد واقعیت فرهنگی از نظر کیفیت بصری باشد. باید بیشتر کار کنیم. الان چند سالی است کارهایمان تکراری شده است.

● ارزیابی شما از وضعیت فعلی بصری و میلمان شهری مشهد این است که واقعی نیست؟ مقداری به‌سمت واقعی شدن رفته‌است. از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ روند پیشی داشت، ولی ما به جهش هم نیاز داریم. ما رشد داشته‌ایم، ولی چشم نداشته‌ایم. شب رشدمان به‌تدریج کم‌شده‌است. کمیت و کیفیت تکنیک و اجرایمان زیاد شده‌است. مهارت‌ها بیشتر شده، ولی نگاه‌ها ز یاد فرقی نکرده‌است. این همان چیزی است که می‌گوییم باید تحلیل شود. اتفاقا سواد بصری بچه‌های هنری باید زیاد شود. سطح سواد بصری مردم اصلا هیچ مشکلی ندارد، چون یکسره دارند آموزش می‌بینند. یک دلیل دیگر، حرفه‌ای بودن است. حرفه‌ای بودن را به دو شیوه می‌توان معنا کرد؛ یکی اینکه شما در کار مهارت دارید، دیگر اینکه دارید از این کار درآمد کسب می‌کنید. یک جاهایی پیش می‌آید که برای اینکه دارید از این حرفه درآمد کسب می‌کنید، مجبورید کارهایی بکنید که مطمئن نیستید حتما درست‌اند. مثلا من می‌دانم که اگر به این شکل کار کنم، طرحم انتخاب می‌شود. آن کار را می‌کنم که پارسال بقیه زدند و انتخاب شد.

● یعنی سیاست‌های برنامه ریزها تعیین کننده‌اند؟ سیاست‌های اقتصادی تعیین‌کننده‌اند، نه سیاست‌هایی که معیارهای کارها را معین می‌کنند. سفارش‌مقوله‌ای مهم است که باعث ارتقای کار می‌شود. برعکس آنچه که فکر می‌کنند، اگر فراخوان بدهند، باعث رقابت می‌شود. فراخوان اگر در یک مقطعی اتفاق بیفتد، خوب است. مثلا در نقاشی بینال (دوسال) داریم، در مجسمه سازی ترینال (سه سال). نمایشگاهی برگزار می‌شود که درجه اول‌ها می‌آیند و همه می‌روند ببینند بعد سه سال چه کارهایی شده است. ولی گاهی از بس صداها بلند است، آدم نمی‌شنود. داور از بین صد کاری که آمده‌است، پنج کار را انتخاب می‌کند. من که جزو آن انتخاب نشده‌ام بودم، نگاه می‌کنم ببینم این‌هایی که انتخاب شدند، چه کار کردند که سال دیگر همان را

کفت‌وگویی ویژه



عکس:چونادر کرمی/شهریار

تجربه را داریم، ولی داریم الکی دور می‌زنیم.

● نکته‌ای که خیلی از هنرمندان تجسمی به آن انتقاد می‌کنند، این است که آن قدر توجه و تمرکز روی المان‌های موقت زیاد شده که آن بخش هنری و دائم و ماندگار فراموش شده‌است، در صورتی که کارهای موقت در عین اینکه شادابی به مردم می‌دهند، زودگذر هستند و در یاد مردم نمی‌مانند. نظر شما چیست؟

دقیقا با این موضوع موافقم. کار دائمی خوب است، ولی باید در دانشگاه‌ها شکل بگیرد. در مشهد دست کم چهار واحد هنر شهری در دانشگاه‌های هنری باید تدریس شود. این اتفاق اگر در بستر آکادمیک نرود، به سمت تکرار می‌رود. رشدش آن قدر کم است که مگر صد سال بگذرد که اتفاقی بیفتد. ولی وقتی آکادمیک نبود، در بوته آزمایش قرار می‌گیرد، یعنی تئوری و عمل با هم پیش بروند. کار دائمی البته چالش‌های بیشتری هم دارد. دقت داوری در این کارها بیشتر است.

● به نظرتان همه این چالش‌ها باعث نمی‌شود مدیرها به سمت کار موقت بروند؟ چون هم دردرسش کمتر است، هم توقع اجتماعی زیادی درباره آن وجود دارد، هم هزینه کمتری

دارد. اینجا به نظرتان باید چه کار کنیم که این اتفاق نیفتد؟ من اولین کاری که کردم این بود که گفتم باید یک انجمن صنفی تشکیل بدهیم. این انجمن صنفی می‌تواند برود دفاع کند. برود بگوید من هم هستم. اولین انجمن صنفی هنرهای شهری ایران را تشکیل دادیم. چنین چیزی پیش از آن وجود نداشت و برای اداره کار و سازمان‌های دیگر مجهول بود.

● یعنی هدف‌تان از ایجاد انجمن ایجاد اهرم مطالبه بود؟ مطالبه گری حرفه‌ای. می‌خواستیم بگوییم متخصص‌ها پای کار هستند. می‌خواستیم بگوییم حتی این برنامه‌ها را بدهید ما اجرا کنیم. می‌خواهید داور انتخاب کنید، ما به شما پیشنهاد می‌دهیم، ما این کاره‌ایم. یا اینکه انجمن می‌تواند جلو خیلی از موازی کاری‌ها را بگیرد. خیلی سریع می‌توانید به مقصد برسید. الان ما در مشهد یک بانک اطلاعاتی خیلی خوب داریم. انجمن‌های صنفی به اعضا هویت می‌دهند. به علاوه اینکه شما می‌توانید از این طریق اعتراض کنید. این موضوع باعث می‌شود بعد‌ها در تصمیم‌گیری‌ها انجمن را دخالت بدهند. البته اگر انجمن خوب کار کند، بحث‌های معیشتی هم هست. انجمن می‌تواند صندوق درست کند و تعاونی تشکیل دهد. اگر بچه‌ها داخل خود انجمن از نظر اقتصادی تقویت شوند، دیگر مجبور نیستند به هر کسی بگویند چشم. کیفیت کار هم بهتر می‌شود. غیر از این، می‌توانیم آموزش داشته باشیم، ورکشاپ بگذاریم و سطح کار را ارتقا بدهیم. کاری که شهرداری باید بکند را ما بکنیم.

● الان این انجمنی که دوره دوم خود را می‌گذراند، چقدر با آن چیزی که باید باشد، فاصله دارد؟

اگر بگوییم صد، الان شاید ده دوازده باشد. هنوز اول کار است. من در انجمن سفال و سرامیک هم رئیس هیئت‌مدیره هستم، ولی روی انجمن هنرهای شهری بیشتر دارم کار می‌کنم.

● به دانشگاه‌ها هم اشاره کردید. ما دانش آموختگان زیادی از رشته‌های هنری در دانشگاه‌های استان داریم. چقدر می‌توانیم بگوییم که می‌توانیم باری از مسئولیت زیبایی‌های شهری را به آن‌ها بسپاریم؟ این کار چه نتیجه مثبتی می‌تواند داشته باشد و چطور باید شرایطش را فراهم کنیم؟

تا زمینه‌اش را فراهم نکنیم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم. من همان وقت که دانشگاه می‌رفتم با خودم می‌گفتم چرا دانشگاه پروژه نمی‌گیرد؟ دانشجو باید با چنگ‌و دندان یک پروژه‌ای را پیدا کند. این خوب نیست. خود دانشگاه باید پروژه بگیرد و حتی دانشجویهای ترم دو و سه را ببرد در دل کار.

● این ارتباط را چه کسی باید ایجاد کند؟ مدیریت شهری،

انجمن یا خود دانشگاه؟ مدیریت شهری موظف نیست این کار را بکند. دانشگاه باید پیشنهاد بدهد. مهندس پژمان، شهردار اسبق،



عکس:از اثر هنرمندی حسین ششکلانی



مستندهای فوتبالی را رایگان تماشا کنید



به مناسبت برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال، پنج مستند فوتبالی به وسیله خانه مستند به‌صورت رایگان اکران آنلاین خواهد شد. مستند های «بازگشت‌های بزرگ، به‌کارگردانی

مهدی صادقی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی و «رؤیای مسی، به‌کارگردانی امید توتونچی بوده و تهیه‌کنندگی عطا پناهی و مجموعه مستندهای «آن ده ثانیه، به‌کارگردانی عادل انیسی و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر، «دربل، به‌کارگردانی پدram بهرامی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی و «جیه این فوتبال؟»، به‌کارگردانی عادل انیسی و تهیه‌کنندگی مهدی مجد از تولیدات خانه مستند هستند که اکران خواهند شد.

پروانه نمایش ۱۴ فیلم صادر شد



پروانه نمایش چهارده اثر صادر شد. پروانه نمایش انیمیشن کوتاه «ماجرای‌های حنجره‌طلا، به‌تهیه‌کنندگی امیر مؤمنی‌اصل، نویسندگی سعید قبری و حسن کιάده و کارگردانی

محمود صادق ناطری، فیلم کوتاه داستانی «برای پلدا، به تهیه‌کنندگی ملیحه حسینی و نویسندگی و کارگردانی محمد آقا محمدی، سه فیلم بلند غیرسینمایی «ناچاری، به نویسندگی سعیدی افشار و تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدرضایکانی، «سایه، به‌تهیه‌کنندگی امین خدام و نویسندگی و کارگردانی رضا صغری‌نسب و «طبل، به‌تهیه‌کنندگی مرتضی ذوالفقاری نسب و نویسندگی و کارگردانی کبری غروی از آثاری هستند که ۲۹آبان صادر شد و تا ۳۰آبان ۱۴۰۳ معتبر است.

«بیرو» وارد چرخه اکران مردمی «عمار» شد



فیلم سینمایی «بیرو» هم زمان با برگزاری جام جهانی فوتبال، وارد چرخه اکران مردمی «عمار» شد. به‌گزارش شهرآرا و به نقل از «عمار یار»، فیلم سینمایی «بیرو» که از اواسط آبان روی پرده سینماها

رفته است، هم‌زمان با برگزاری جام جهانی فوتبال وارد چرخه اکران مردمی «عمار» شد. فیلم «بیرو، به‌کارگردانی و نویسندگی مرتضی علی عباس میرزایی پرتره‌ای از زندگی علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال کشورمان، است که از دوران کودکی تا ورود او به عرصه حرفه‌ای فوتبال و عضویتش در تیم ملی فوتبال را روایت می‌کند. فیلم سینمایی «بیرو»، که اولین بار در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۰ رونمایی شد، با سرمایه‌گذاری شرکت ترغیب صنعت ایران و بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده است. برای ثبت درخواست اکران مردمی فیلم «بیرو» و سایر فیلم‌های سینمایی به وبگاه Ekranmardomi.ir مراجعه کنید.

«بی‌آبان» به هنر و تجربه رسید



فیلم سینمایی «بی‌آبان» به عنوان اولین تجربه کارگردانی مهرداد کوروش نیا از اول آذر در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. «بی‌آبان، با هنرمندی بازیگرانی مانند رضا اخلاقی‌راد، علیرضا

استادی، نسیم ادبی، صحر اسدالهی، داستان جنگلبانی به‌نام آبان است که در ماه ازدواجش به کشتن غیرمعد دختر بچه‌ای متهم می‌شود و پس از این اتفاق، گرفتار مشکلاتی می‌شود که برای او پیش‌بینی پذیر نیست. مهرداد کوروش نیا نویسندگی فیلم نامه‌های سریال‌هایی مانند «کرگدن»، «ممنوعه» و نمایشنامه‌هایی مثل «کابوس یک رؤیا» و «عزازیل» را برعهده داشته است.

۲ مجری جدید در شبکه ۲ سیما



المیرا شریفی مقدم و حسن اسماعیل‌پور دو مجری جدیدی هستند که به‌ترتیب در برنامه «صبحانه ایرانی» و «ورزش از نگاه دو» به اجرا می‌پردازند. المیرا شریفی مقدم، گوینده شبکه خبر، در برنامه «صبحگاهی

ایرانی» که حدود دو هفته است شنیه تا پنجشنبه ساعت هفت روی آنتن شبکه ۲ است، به‌عنوان مجری ثابت حضور دارد. همچنین، حسن اسماعیل‌پور که این شب‌ها اجرای برنامه «ورزش از نگاه دو» را برعهده دارد، نویسنده، گوینده و تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی بسیاری بوده است. «ورزش از نگاه دو» در روزهای برگزاری رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ هر شب ساعت ۲۴ روانه آنتن می‌شود.